IslamHouse.com

سه اصل بزرگ اسلام

محمد بن عبد الوهاب

سه اصل بزرگ اسلام

تألیف

محمد تمیمی

مترجم

عبدالله حیدری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

آدرس ایمیل: book@aqeedeh.com

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com
www.islamtxt.com
www.ahlesonnat.com
www.isl.org.uk
www.islamtape.com
www.blestfamily.com
www.islamworldnews.com
www.islamage.com
www.islamwebpedia.com
www.islampp.com
www.kalemeh.tv
www.nourtv.net
www.sadaislam.com
www.islamhouse.com
www.bidary.net
www.tabesh.net
www.farsi.sunnionline.us
www.sunni-news.net
www.mohtadeen.com
www.ijtehadat.com
www.islam411.com
www.videofarsi.com

[فهرست]

[فهرست]... ۱

سخن مترجم.. ۳

اصل اول: شناخت پروردگار با دلایل.. ۹

اصل دوم: شناخت دین اسلام با دلایل.. ۱۵

اصل سوم: شناخت پیامبرمان حضرت محمد ﷺ است.. ۲۱

سخن مترجم

بنام خداوند بخشندۀ دانا، مهربان توانا، یکتای بی‌همتا، بنام آنکه از هر نیازی بین نیاز است و جز او همه نیازمند بارگاه کرم اویند، و بنام آنکه همگان را بنده و برده آفرید اما برای خودش نه برای بندگان و بردگانی امثالشان، بنابراین، بندگی کردن ما بندگان عاجز برای ذات پاک او کمال شرافت و افتخار ماست که بهترین پیامبران برگزیده‌اش را با این لقب افتخار می بخشد.

نام علمی که چگونه بندگی کردن را می‌آموزد توحید است، تمام پیامبران و کتابهای آسمانی یک مسؤلیت داشته‌اند و آن تحقق توحید بوده است، اولین مراحل توحید شناخت پروردگار و دیگر اصول اعتقادی است، مهمترین و پاک‌ترین و مقدس‌ترین کتاب توحید قرآن کریم است، سپس در تمام کتابهای حدیث کتاب یا باب مستقلی در باره توحید آمده است، تألیفات مستقلی که در این باره شده بی‌شمار است.

رساله کوچکی که در دست دارید متن مختصر و مهمی در این علم شریف است. این متن ارزشمند در قرن دوازدهم هجری قمری توسط یکی از علماء و دعوتگران اسلامی تهیه شده است.

چیزی که به اهمیت این کتابچه می‌افزاید این است که سه اصل مذکور همان سه پرسشی است که شب اول در قبر همه انسانها با آن روبرو هستند از جمله من و شما آیا شما آمادگی دارید؟ خداوند برای همه آسان بگرداند، آمین.

چند سال پیش فرصتی دست داد که آنرا در مرحله متوسط تدریس کنم، از آنزمان تا کنون اهمیت آن در دلم بود و آرزو داشتم آنرا به فارسی بر گردانم که اینک به لطف خداوند در دسترس شما عزیزان قرار دارد.

امیدوارم مؤلف و این برادر ناچیزتان را از دعای خیر فراموش نفرمائید. خداوند یار و نگهدارتان باد.

لازم به تذکر است که تیترها از سوی مترجم اضافه شده است.

دعاگو

عبدالله حیدری

۸۱/۳/۷ ش

بسم الله الرحمن الرحيم

خدایت رحمت کناد: بدان که آموختن چهار چیز بر ما واجب است:

اول: علم، که عبارت از شناخت خداوند و شناخت پیامبرش ﷺ و شناخت دین اسلام با دلایل است.

دوم: به آن عمل کردن.

سوم: به‌سوی آن دعوت نمودن.

چهارم: صبر در برابر مشکلاتی که در این راه پیش خواهد آمد.

دلیل آنچه گفتیم: این فرموده خداوند متعال است که: ﴿وَٱلۡعَصۡرِ ١ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣﴾

«سوگند به روزگار، که بیگمان انسان در زیانکاری است، مگر کسانی‌که ایمان آورده‌اند، وکارهای شایسته کرده‌اند، و همدیگر را به حق سفارش کرده‌اند و همدیگر رابه شکیبائی سفارش کرده‌اند». امام شافعی رحمه الله می‌فرماید: اگر خداوند جز این سوره هیچ برهان دیگری بر مخلوقاتش فرودنمی آورد همین سوره برای آنان کافی بود.

امام بخاری رحمه الله در صحیح بخاری می‌فرماید:

«**باب: العلم قبل القول والعمل**»

این باب در باره آموختن علم قبل از گفتن و عمل کردن است.

زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ﴾ [محمد: ١٩].

« پس بدان که جز خدا هیچ معبود برحقی نیست و برای گناهانت طلب مغفرت کن».

می‌بینیم که قبل از گفتن و عمل کردن به فرا گرفتن علم امر فرموده است.

پس خدایت رحمت کناد، بدان که آموختن مسائل سه‌گانه ذیل بر هر زن و مرد مسلمان واجب است:

مسأله اول: اینکه خداوند ما را آفریده وپرورش داده و روزی داده اما بیهوده نگذاشته است بلکه برای هدایت ما پیامبری فرستاده است که هرکس از او پیروی کند داخل بهشت، و هرکس نافرمانی‌اش را کند وارد دوزخ خواهد شد. لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ رَسُولٗا شَٰهِدًا عَلَيۡكُمۡ كَمَآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ رَسُولٗا ١٥ فَعَصَىٰ فِرۡعَوۡنُ ٱلرَّسُولَ فَأَخَذۡنَٰهُ أَخۡذٗا وَبِيلٗا ١٦﴾ [المزمل: ۱۵-۱۶].

«ما به سوی شما پیامبری فرستاده ایم که بر شما گواه است همچنانکه به سوی فرعون هم پیامبری فرستادیم، اما فرعون ازآن پیامبر نافرمانی کرد، لذا او را به گیر وداری سخت فرو گرفتی».

مسأله دوم: اینکه خداوند هرگز راضی نخواهد بود که بنده‌ای، هیچ احدی را با او در عبادتش شریک گرداند، نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسلی را، لذا می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ١٨﴾ [الجن: ۱۸].

«واینکه همه مسجدها خاص خداوند است، پس باخداوند هیچ احدی را (به عنوان پرستش) مخوان».

مسأله سوم: اینکه کسی که خدا را به یگانگی بشناسد واز پیامبرش اطاعت کند هرگز برای او جائز نیست که با کسانی که با خدا و رسولش دشمن هستند دوستی بر قرار کند حتی اگر نزدیکترین خویشاوندانش باشند.

لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٖ مِّنۡهُۖ وَيُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱللَّهِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٢٢﴾ [المجادلة: ۲۲].

«قومی را که به خداوند و روز بازپسین ایمان داشته باشند نیابی‌که با کسانی که با خداوند و پیامبراو مخالفت می‌ورزند دوستی کنند و لو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان، یا برادرانشان یا خاندانشان باشند، ایانند که – خداوند – در دلهایشان – نقش – ایمان نگاشته است، و به فیضی از جانب خویش استوارشان داشته است، و – ایشانرا – به بوستانهایی در آورد که جویباران از فرودست آنها جاری است، جاودانه در آنند، هم خداوند از آنان خشنود، وهم آنان از او خشنودند، اینان لشکر خدایند، بدانیدکه لشکر خدا همانانند رستگاران».

خدایت به طاعتش راه بنماید: بدان که دین حنیف ابراهیمی این است که خدا را به یگانگی و با اخلاص و یکرنگی بپرستی این است آن هدفی که خداوند همه مردم را برای تحقق آن آفریده و بدان امر فرموده است، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ ٱلْجِنَّ وَٱلْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاريات: ۵۶].

«جن و انس را جز برای آنکه مرا بپرستند نیافریده‌ام».

معنی (یعبدون) در آیه (یوحدون) است، یعنی مرا به یکتایی بپرستند، بزرگترین و مهمترین چیزی که خداوند بدان امرفرموده توحید است، و توحید یعنی خدا را به یکتایی پرستیدن،و بزرگترین چیزی که از آن باز داشته شرک است، و شرک یعنی کس یا چیز دیگری را با او به عنوان پرستش خواندن، لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشْرِكُواْ بِهِۦ شَيْـًٔا﴾ [النساء: ۳۶].

«و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک نکنید».

اگر از تو پرسیده شود: اصول سه‌گانه‌ای که شناخت آن بر هر انسانی واجب است چیست؟

بگو: ۱- شناخت پروردگار ۲- شناخت اسلام که دین پسندیده پروردگار است و ۳- شناخت پیامبرش حضرت محمد ﷺ.

اصل اول: شناخت پروردگار با دلایل

اگر از تو پرسیده شود که پروردگارت کیست؟ بگو پروردگارم ذاتی است که با نعمتهای فراوانش مرا و سایر جهانیان را آفریده و پرورش داده است، او یگانه معبود من است که جز او هیچ معبودی ندارم، لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

«هرگونه ثناء وستایشی ویژه پروردگار عالمیان است».

جز خود پروردگار هر صنف دیگری در این جهان برای خودش عالمی است که من نیز جزوی از یک عالم هستم.

اگر از تو پرسیده شود:

پروردگارت را چگونه شناختی؟ بگو: با آیات و مخلوقاتش، از جمله می‌توان به شب و روز و خورشید و مهتاب به عنوان نمونه‌ای از آیات، و به آسمانها و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و در بین آنهاست به عنوان نمونه‌ای از مخلوقات خدای بزرگ اشاره کرد لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلَّيۡلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُۚ لَا تَسۡجُدُواْ لِلشَّمۡسِ وَلَا لِلۡقَمَرِ وَٱسۡجُدُواْ لِلَّهِ ٱلَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ٣٧﴾ [فصلت: ۳۷].

«و از نشانه‌های قدرت او شب و روز و خورشید و ماه است، خورشید و ماه را سجده نکنید، بلکه خداوند را که آنها را آفریده است سجده کنید».

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۭ بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٥٤﴾ [الأعراف: ۵۴].

«همانا پروردگار شما خداوند است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس برعرش – چنانکه خود می‌داند – قرار گرفت، شب را به روز – و روز را به شب – می‌پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را – آفرید – که رام شده فرمان اویند، بدانید که خلق و امر صرفا از آن اوست، با برکت است خدایی که پروردگار جهانیان است».

پروردگار همان معبود بر حق جهان است لذا می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٢١ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٢٢﴾ [البقرة: ۲۱-۲۲].

«ای مردم پروردگارتان را که شما و پشینیانتان را آفریده است بپرستید تا پرهیزگار شوید، آنکه زمین را – همچون- زیر انداز وآسمان را – همچون- سر پناه شما کرد، و از آسمان آبی فرو فرستاد، آنگاه بدان- انواع- میوه‌ها برای روزی شما بر آورد، پس آگاهانه برای او همتا نیاورید».

ابن کثیر رحمه الله می‌فرماید:

«خالق و آفریدگار همه این مخلوقات یگانه ذاتی است که شایسته و مستحق پرستش است».

انواع عبادتهایی که خداوند دستور انجام آنرا صادر فرموده از قبیل (اسلام و) ایمان و احسان، خوف و رجاء، دعاء و توکل، شوق و حذر, خشوع و خشیت، انابت و استعانت، استعاذت و استغاثت ذبح و نذر و دیگر عبادیهایی که خداوند به آن امر فرموده همه ویژه‌ء پروردگار یکتا است. لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ١٨﴾ [الجن: ۱۸].

«و اینکه همه مسجدها خاص خداوند است پس با خداوند هیچ‌کس را به عنوان پرستش مخوان».

پس کسی که این عبادتها یا جزئی از آنرا برای غیر خدا انجام دهد مشرک و کافر است، لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَن يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١١٧﴾ [المؤمنون: ۱۱۷].

«و هرکس با خداوند خدایی دیگر بپرستد که در این کار حجتی ندارد، جز این نیست که حسابش با پروردگارش است، آری کافران رستگار نمی شوند». ودر حدیث آمده است «**الدعاء مخ العبادة**» «دعاء مغز عبادت است». لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ٦٠﴾ [غافر: ۶۰].

«و پروردگارتان گوید مرا به دعا خوانید تا برایتان اجابت کنم، بیگمان کسانی که از عبادت من استکبار می‌ورزند به زودی با خواری وارد دوزخ خواهند شد».

دلیل خوف: این ارشاد الهی است:

﴿فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [آل‌عمران: ۱۷۵].

«پس از آنان نترسید و از من بترسید اگر مؤمن هستید».

دلیل امید: این ارشاد باری است:

﴿فَمَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا﴾ [الکهف: ۱۱۰].

«حال هر آنکس که امید به لقای پروردگارش بسته است، باید کار نیکو پیشه کند و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیاورد».

دلیل توکل: این فرموده باریتعالی است:

﴿وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳].

«و بر خدا توکل کنید اگر مؤمن هستید».

﴿وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓ﴾ [الطلاق: ۳].

«پس هرکس بر خدا توکل کند همو وی را کافی است».

دلیل شوق و حذر و خشوع: این ارشاد باری است:

﴿إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَيَدۡعُونَنَا رَغَبٗا وَرَهَبٗاۖ وَكَانُواْ لَنَا خَٰشِعِينَ﴾ [الأنبیاء: ۹۰].

«زیرا آنها در کارهای خیر تعجیل میکردند و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند و همیشه به درگاه ما خاضع و خاشع بودند».

دلیل خشیت: این فرموده **باری است:**

﴿فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِي﴾ [البقرة: ۱۵۰].

«پس از آنان مترسید و از من بترسید».

و دلیل انابت: این ارشاد الهی است:

﴿وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ وَأَسۡلِمُواْ لَهُۥ﴾ [الزمر: ۵۴].

«به‌سوی پروردگارتان باز آیید و در برابر او تسلیم شوید».

در حدیث آمده است:

«**واذا استعنت فاستعن بالله**».

«و هرگاه یاری خواستی از خدا یاری بجوی».

دلیل استعاذت: این ارشاد باری است:

(قل أعوذ برب الناس ملک الناس) (سوره الناس).

«بگو به پروردگار مردم پناه می‌برم فرمانروای مردم».

دلیل استغاثه: این فرموده خداوندی است:

﴿إِذۡ تَسۡتَغِيثُونَ رَبَّكُمۡ فَٱسۡتَجَابَ لَكُمۡ﴾ [الأنفال: ۹].

«هنگامی را به یاد آورید که به پروردگار تان استغاثه و زاری می‌کردید و او دعای شما را اجابت کرد».

دلیل ذبح: این ارشاد خداوندی است:

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٢ لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٦٣﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

«بگو نماز و نیایش من و زندگانی ومرگ من، برای خدا است که پروردگار جهانیان است».

در حدیث آمده است:

«**لعن الله من ذبح لغير الله**».

«خداوند لعنت کند کسی را که برای غیرخدا ذبح کند».

دلیل نذر: این فرموده خداوند متعال است:

﴿يُوفُونَ بِٱلنَّذۡرِ وَيَخَافُونَ يَوۡمٗا كَانَ شَرُّهُۥ مُسۡتَطِيرٗا ٧﴾ [الإنسان: ۷].

«(آن بندگان نیکو) به نذر و عهد خود وفا می‌کنند و از قهر خدا در روزی که شر سختیش همه اهل محشر را فرا گیرد می‌ترسند».

اصل دوم: شناخت دین اسلام با دلایل

دین اسلام یعنی تسلیم شدن برای خدا که او را به یکتایی بپرستی، و از اوامرش پیروی کنی، و از شرک بیزاری جویی. و آن سه درجه دارد:

اسلام، و ایمان و احسان، که هر درجه‌ای از خودش ارکانی دارد.

درجه اول: اسلام است که پنج رکن دارد:

۱- گواهی دادن به اینکه جز خدای یگانه هیچ معبود برحقی نیست، و اینکه محمدﷺ رسول خدا است.

۲- برپاداشتن نماز. ۳- دادن زکات. ۴- و روزه ماه مبارک رمضان. ۵- وحج بیت الله الحرام.

دلیل رکن اول: این فرموده خدوند متعال است:

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨﴾ [آل‌عمران: ١٨].

«خداوند که در دادگری استوار است و فرشتگان و عالمان - راستین - گواهی می‌دهند که معبود بر حقی جز او نیست. آری جز او که پیروزمند فرزانه است معبود بر حقی نیست».

کلمه ﴿لَآ إِلَٰهَ﴾ همه آنچه را که جز خدا پرستیده می‌شود نفی می‌کند و **(إلا الله)** هرگونه عبادتی را صرفا برای خدای یکتا و لاشریک ثابت می‌کند. خدایی که در پرستش او هیچ شریکی نیست, کما اینکه در ملک او هیچ شریک و همتایی نیست, آنچه این مطلب را واضح و آشکار بیان می‌کند این فرموده خداوند متعال است:

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ ٢٦ إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُۥ سَيَهۡدِينِ ٢٧﴾ [الزخرف: ٢٦-٢٧].

«ای رسول ما به یاد آور وقتی را که ابراهیم به پدر خود و قومش گفت ای بت‌پرستان، من از معبودان شما سخت بیزارم جز آن خدایی را که مرا آفریده و البته مرا هدایت خواهد کرد نمی‌پرستم واین خدا پرستی (و توحید) را در همه ذریت او تا قیامت کلمه باقی گردانید تاهمه فرزندانش (به خدای یکتا) رجوع کنند».

وهمچنین این ارشاد خداوند بزرگ:

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۭ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡـٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُولُواْ ٱشۡهَدُواْ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ ٦٤﴾ [آل‌عمران: ۶۴].

«بگو ای اهل کتاب بیایید تا بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچگونه شریکی نیاوریم و هیچ کسی از ما دیگری را بجای خداوند به خدایی برنگیرد, و اگر رویگردان شدند بگویید شاهد باشید که ما فرمانبرداریم».

ودلیل گواهی دادن اینکه محمد ﷺ رسول خدا است این ارشاد خداوندی است:

﴿لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١٢٨﴾ [التوبة: ۱۲۸].

«به‌راستی که پیامبری از میان خودتان به‌سوی شما آمده است که هر رنجی که شما می‌برید برای او گران می‌آید، سخت هواخواه شماست و به مؤمنان رؤوف و مهربان است».

معنای گواهی دادن به اینکه محمد رسول خداست این است که در هر آنچه ما را امر فرموده از ایشان اطاعت کنیم، و به هر آنچه خبرداده یقین و باور داشته باشیم, و از هر آنچه مارا باز داشته باز ایستیم, و اینکه پرستش خدا جز به روشی که ایشان بیان فرموده اند انجام نگیرد.

ودلیل نماز و زکات و تفسیر درست توحید: در این آیه کریمه متبلور است:

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥﴾ [البينة: ۵].

«جز این فرمان نیافته بودند که خداوند را بپرستند و پاکدینانه، دین خود را برای او خالص دارند و نماز را برپادارند، وزکات را بپردازند، و این دین استوار است».

دلیل روزه: این آیه کریمه است: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣﴾ [البقرة: ۱۸۳].

«ای مؤمنان! برشما روزه فرض گردیده همچنانکه برکسانی که پیش از شما بودند فرض شده بود, تا که تقوا پیشه کنید».

ودلیل حج: این ارشاد الهی است: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَـٰلَمِينَ﴾ [آل‌عمران: ۹۷].

«وخدای را برمردم حج خانه‌ی کعبه فرض است البته بر هرکسی‌که توانایی رسیدن به آنجا را داشته باشد و هرکس که کفر (و انکار) ورزد (بداند که) خداوند از جهانیان بی‌نیاز است».

درجه دوم:

ایمان است که هفتاد وچند شاخه دارد که بلندترین آن گفتن **لاإله إلا الله** و پایین‌ترین آن دورکردن اسباب اذیت از راه است، و حیاء شاخه‌ای از ایمان است.

ارکان آن شش تا است: اینکه به خدا و فرشتگان و کتابها و پیامبران الهی و همچنین به روز قیامت وتقدیر اعم از خوب و بد آن ایمان داشته باشی.

دلیل ارکان ششگانه مذکور: این ارشاد خداوندی است:

﴿لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَـٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَـٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَـٰبِ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

«نیکی آن نیست که رویتان را به‌سوی مشرق و مغرب آورید بلکه نیکی آن است که بنده به خداوند و روز بازپسین و فرشتگان وکتب آسمانی و پیغمبران ایمان داشته باشد».

ودلیل تقدیر: این ارشادخداوندی است:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ۝٤٩﴾ [القمر: ۴۹].

«ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم».

درجه سوم:

احسان است که فقط یک رکن است, و آن اینکه خدا را طوری بپرستی که گویا او را می‌بینی, چون اگر تو او را نمی‌بینی یقیناً او ترا می‌بیند, بدلیل این فرموده خداوند که:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحۡسِنُونَ ۝١٢٨﴾ [النحل: ۱۲۸]

«به درستیکه خداوند با پرهیزگاران ونیکو کاران است».

واین ارشاد الهی:

﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ۝٢١٧ ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ ۝٢١٨ وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ ۝٢١٩ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ۝٢٢٠﴾ [الشعراء: ۲۱۷-۲۲۰].

«و بر(خداوند) پیروزمند مهربان توکل کن همان که تورا به هنگامی‌که (برای عبادت) برمی‌خیزی می‌بیند و نیز تحولت را در(نماز از حالتی به حالت دیگر) میان نمازگذاران, چراکه او شنوای دانا است».

و همچنین این فرموده خداوند بزرگ:

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأۡنٖ وَمَا تَتۡلُواْ مِنۡهُ مِن قُرۡءَانٖ وَلَا تَعۡمَلُونَ مِنۡ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيۡكُمۡ شُهُودًا إِذۡ تُفِيضُونَ فِيهِ﴾ [یونس: ۶۱].

«ای رسول ما (بدان که تو) در هیچ حالی نباشی و هیچ آیه‌ای از قرآن تلاوت نکنی و به هیچ عملی تو و امتت وارد نشوید مگر آنکه ما همان لحظه شمارا مشاهده می‌کنیم».

ودلیل از سنت: حدیث مشهور جبریل است که ازعمر بن خطاب ﷺ نقل شده که فرمودند:

«بَيْنَما نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُول الله ﷺ ذَاتَ يَومٍ، إذْ طَلَعَ عَلَينا رَجُلٌ شَديدُ بَياضِ الثِّيابِ، شَديدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لا يُرَى عَلَيهِ أثَرُ السَّفَرِ، وَلا يَعْرِفُهُ مِنَّا أحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبيّ ﷺ، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيهِ إِلَى رُكْبتَيهِ، وَوَضعَ كَفَّيهِ عَلَى فَخِذَيهِ، وَقالَ: يَا مُحَمَّدُ، أخْبرني عَنِ الإسلامِ، فَقَالَ رَسُول الله ﷺ: الإسلامُ: أنْ تَشْهدَ أنْ لا إلهَ إلاَّ اللهوأنَّ مُحَمَّداً رسولُ الله، وتُقيمَ الصَّلاةَ، وَتُؤتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ البَيتَ إن اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبيلاً . قَالَ: صَدَقْتَ . فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقهُ ! قَالَ: فَأَخْبرنِي عَنِ الإِيمَانِ . قَالَ: أنْ تُؤمِنَ بالله، وَمَلائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَاليَوْمِ الآخِرِ، وتُؤْمِنَ بالقَدَرِ خَيرِهِ وَشَرِّهِ. قَالَ: صَدقت. قَالَ: فأَخْبرني عَنِ الإحْسَانِ . قَالَ: أنْ تَعْبُدَ اللهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فإنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فإنَّهُ يَرَاكَ. قَالَ: فَأَخْبِرني عَنِ السَّاعَةِ. قَالَ: مَا المَسْؤُولُ عَنْهَا بأعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ. قَالَ: فأخبِرني عَنْ أمَاراتِهَا . قَالَ: أنْ تَلِدَ الأَمَةُ رَبَّتَهَا، وأنْ ترَى الحُفَاةَ العُرَاةَ العَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ في البُنْيَانِ. ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيّاً، ثُمَّ قَالَ: يَا عُمَرُ، أَتَدْري مَنِ السَّائِلُ؟ قُلْتُ: اللهُ ورسُولُهُ أعْلَمُ . قَالَ: إنَّهُ جِبْرِيلُ أتَاكُمْ يعَلِّمُكُمْ أمْرَ دِينكُمْ».

«درحالی‌که ما خدمت پیامبرﷺ نشسته بودیم ناگهان مردی برما ظاهر شد که لباسهایش به شدت سفید و موهایش شدیداً سیاه بود, هیچ نشانه ای از آثار سفر براو دیده نمی‌شد ونه هم کسی از ما او را می‌شناخت، جلو پیامبرﷺ همچنانکه پیامبر نشسته بودند دو زانو نشست و زانوهایش را به زانوهای ﷺ چسپاند ودستهایش را بر رانهایش گذاشت و گفت: ای محمد از اسلام مرا خبرده فرمودند: اینکه گواهی دهی که هیچ معبود بر حقی جز خدای یگانه وجود ندارد و اینکه محمد فرستاده خداست, و نماز را برپاداری و زکات بپردازی وماه رمضان را روزه بگیری و اگر توانایی داشتی حج خانه خدا کنی گفت: راست گفتی، تعجب کردیم که چگونه هم از ایشان می‌پرسد وهم تصدیق می‌کند, گفت:از ایمان مرا خبر ده؟ فرمودند: اینکه به خدا وفرشتگان و کتابها و رسولانش و به روز قیامت و به تقدیر أعم از خیر و شر آن ایمان و باور داشته باشی, گفت: از احسان مرا خبرده فرمودند: اینکه خدا را طوری بپرستی که گویا او را می‌بینی چون اگر تو او را

نمی‌بینی او قطعا ترا می‌بیند، گفت: از قیامت مرا خبر ده فرمودند: در این باره سؤال شونده از سؤال کننده بیشتر نمی‌داند، گفت:از نشانیهای آن مرا خبر ده, فرمودند: اینکه کنیز ارباب خودش را بزاید، و اینکه ببینی چوپانان تنگدست با پای لخت و عریان در ساختمانها بریکدیگر فخر می‌ورزند، راوی می‌گوید: آنگاه راهش را کشید و رفت, ما اندکی درنگ کردیم آنگاه حضرت فرمودند: ای عمر! آیا می‌دانید سؤال کننده کی بود؟ گفتیم خدا و رسولش داناترند, فرمودند: این جبریل بود که آمد تا امر دینتان را به شما بیاموزاند».

اصل سوم: شناخت پیامبرمان حضرت محمد ﷺ است

ایشان محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم هستند که هاشم از قریش و قریشی‌ها عرب و از نسل حضرت اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم خلیل – علیه و علی نبینا أفضل الصلاة و أتم التسلیم – هستند، ایشان شصت و سه سال عمر کردند، که چهل سال آن پیش از بعثت و بیست وسه سال دیگر زندگی بعثت بود، ایشان پیامبر و رسول بودند، با (**إقرأ**) نبوت و با (**مدثر**) رسالت به ایشان ابلاغ شد، که در آن زمان در مکه تشریف داشتند، خداوند ایشان را فرستاد تاکه مردم را از شرک باز داشته و به سوی توحید و یکتا پرستی بخواند، بدلیل این ارشاد خداوندی که:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُدَّثِّرُ ١ قُمۡ فَأَنذِرۡ ٢ وَرَبَّكَ فَكَبِّرۡ ٣ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ ٤ وَٱلرُّجۡزَ فَٱهۡجُرۡ ٥ وَلَا تَمۡنُن تَسۡتَكۡثِرُ ٦ وَلِرَبِّكَ فَٱصۡبِرۡ ٧﴾ [المدثر: ۱-۷].

«ای مرد جامه برخود پیچیده! برخیز و هشدار ده و پروردگارت را تکبیر گوی و دامنت را پاکیزه بدار و از آلایش - شرک – بپرهیز و بخششی مکن که پاداش بزرگتر بخواهی و در راه پروردگارت شکیبایی کن».

معنای: ﴿قُمۡ فَأَنذِرۡ﴾ یعنی از شرک بترسان و به سوی توحید فراخوان، و ﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرۡ﴾ یعنی باتوحید ویکتا پرستی او را تعظیم کن و بزرگ بدار و ﴿وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ﴾ یعنی اعمال خویش را از شرک پاک گردان، ﴿وَٱلرُّجۡزَ فَٱهۡجُرۡ﴾ رجز یعنی بتها، وترک بتها یعنی بیزاری از بتها وبت پرستان.

ده سال تمام به همین منوال مردم را بسوی توحید می‌خواندند، پس از ده سال ایشان به معراج یعنی آسمان فراخوانده شدند و نمازهای پنج‌گانه فرض گردید، سه سال در مکه نماز خواندند، و سپس مأمور گردیدند که به مدینه هجرت کنند هجرت از سرزمین شرک به سرزمین اسلام منتقل شدن است.

هجرت براین امت فرض است که از سرزمین شرک به سرزمین اسلام کوچ کنند و این فریضه تا قیامت ادامه دارد، (حدیث لا هجرة بعد الفتح تفاصیلی دارد. مترجم).

به دلیل: این فرموده خداوند:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمۡۖ قَالُواْ كُنَّا مُسۡتَضۡعَفِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ قَالُوٓاْ أَلَمۡ تَكُنۡ أَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٗ فَتُهَاجِرُواْ فِيهَاۚ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا ٩٧ إِلَّا ٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلۡوِلۡدَٰنِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ حِيلَةٗ وَلَا يَهۡتَدُونَ سَبِيلٗا ٩٨ فَأُوْلَٰٓئِكَ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَعۡفُوَ عَنۡهُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَفُوًّا غَفُورٗا ٩٩﴾ [النساء: ۹۷-۹۸].

«کسانی که فرشتگان جانشان را می‌گیرند، درحالیکه آنان برخود ستم روا داشته‌اند، به ایشان گویند در چه حال بودید؟ گویند ما در سرزمین خود مستضعف بودیم گویند آیا سرزمین خداوند فراخ نبود که بتوانید در آن _ به هرکجا که خواهید_ هجرت کنید؟ سرا و سر انجام اینان جهنم است و بد سرانجامی است مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفی که نمی‌توانند چاره‌ای بیندیشند و راه به جایی نمی‌برند, اینان را باشد که خداوند ببخشاید، و خداوند بخشاینده آمرزگار است».

وبه دلیل: این ارشاد خداوندی:

﴿يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ أَرۡضِي وَٰسِعَةٞ فَإِيَّٰيَ فَٱعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [العنکبوت: ۵۶].

«ای بندگان من که ایمان آورده اید! بدانید که زمین من گسترده است پس فقط مرا بپرستید».

امام بغوی رحمه الله می‌فرماید:

«سبب نزول این آیه مسلمانانی هستند که در مکه بودند و هنوز هجرت نکرده بودند خداوند آنانرا اهل ایمان خطاب فرمود».

و دلیل برهجرت از سنت نبوی: این فرموده پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم است که:

«لا تَنْقَطِعُ الهِجْرَةُ حَتَّى تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ، وَلا تَنْقَطِعُ التَّوْبَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا».

«هجرت قطع نمی‌شود تا زمانیکه توبه قطع شود و توبه قطع نمی‌شود تا اینکه خورشید از مغرب طلوع کند».

هنگامی که پیامبر ﷺ در مدینه مستقر گردیدند به بقیهء احکام اسلام نیز مأموریت یافتند، مثل زکات و روزه و حج و اذان و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و احکام دیگر.

ده سال در این راستا جانفشانی کردند تا اینکه وفات نمودند -صلوات الله و سلامه علیه- اما دین ایشان قائم و دائم خواهد بود خلاصه‌اش این است که هیچ خیری نبوده مگر اینکه امت را بدان راهنمایی فرموده و هیچ شرّی نبوده مگر اینکه امت را از آن برحذر داشته است،بزرگترین خیری که مردم را بدان راهنمایی فرموده اول توحید است وبعد هر آنچه که خداوند آن را دوست دارد و می‌پسندد, وبدترین شری که امت را از آن برحذر داشته اول شرک است وبعد هرآنچه که خداوند آنرا ناپسند می‌دارد، خداوند ایشان را به سوی همه انسانها و جنات فرستاده و اطاعت ایشان را بر همگان فرض گردانیده است.

دلیلش: این ارشاد خداوندی است:

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا﴾ [الأعراف: ۱۵۸].

«بگو ای مردم بدرستیکه من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم».

و خداوند دین را بوسیله ایشان تکمیل فرموده چنانکه می‌فرماید:

﴿ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗا﴾ [المائدة: ۳].

«امروز دین شما را برایتان به کمال رساندم و نعمتم را برشما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم».

دلیل وفات حضرتش: این ارشاد خداوند است:

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ ۞ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ۞﴾ [الزمر: ۳۰].

« – ای رسول عزیزما – شخص تو و همه خلق البته به مرگ از دنیا خواهید رفت آنگاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل پروردگار خویش داد خواهی می‌کنند».

بطور قطع انسانها پس از مردن برانگیخته خواهند شد.

به دلیل اینکه: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مِنْهَا خَلَقْنَـٰكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ۞﴾ [طه: ۵۵].

«از آن (**خاک**) شمارا آفریده‌ایم و به آن بازتان می‌گردانیم و باردیگر از آن بیرونتان می‌آوریم».

و نیز می‌فرماید:

﴿وَٱللَّهُ أَنۢبَتَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ نَبَاتًا ۞ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ۞﴾ [نوح: ۱۷-۱۸].

«وخداوند شمارا مانند گیاهی از زمین رویاند سپس شما را به آن باز می‌گرداند و به بیرون آوردنی شما را بیرون میآورد. و آنگاه پس از برانگیخته شدن و مطابق آنچه عمل کرده‌اند پاداش داده خواهند شد».

لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ لِيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ أَسَـٰٓـُٔوا۟ بِمَا عَمِلُوا۟ وَيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ بِٱلْحُسْنَى ۞﴾ [النجم: ۳۱].

«و آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداوند است, تا سرانجام بدکرداران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکو کاران را به پاداش نیکو (بهشت) جزا دهد».

کسی‌که منکر برانگیخته شدن بعد از مرگ باشد کافر است.

به دلیل اینکه: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧﴾ [التغابن: ۷].

کافران پنداشته‌اند که هرگز برانگیخته نمی‌شوند, بگو آری سوگند به پروردگارم که برانگیخته خواهید شد سپس از (حقیقت) آنچه کرده اید آگاهتان کنند و این بر خداوند آسان است».

خداوند متعال همه پیامبران را مبعوث فرموده است تا آنکه مژده دهنده وبیم‌دهنده باشند.

به دلیل اینکه می‌فرماید:

﴿رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِ﴾ [النساء: ۱۶۴].

«پیامبرانی – فرستادیم – که مژده دهنده وبیم دهنده‌اند، تاآنکه برای مردم – پس از آمدن پیامبر– هیچ عذرو بهانه‌ای نماند».

اولین پیامبر حضرت نوح و آخرین آنان حضرت محمد ﷺ است که ایشان خاتم پیامبران هستند.

دلیل اینکه: حضرت نوح عليه السلام اولین پیامبر است این ارشاد خداوندی است:

﴿إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ﴾ [النساء: ۱۶۳].

«ما به تو وحی فرستادیم همچنانکه به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم».

از نوح عليه السلام محمد ﷺ هر پیامبری‌که بسوی هر قوم و اُمتی فرستاده شده آنان را به پرستش خدای یکتا فراخوانده وازپرستش طاغوت باز داشته است.

به دلیل: اینکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶].

«و به راستی که درمیان هر امت پیامبری برانگیختیم (تا بگویند) که خداوند را بپرستید و از طاغوت پرهیز کنید».

خداوند برهمه بندگان ایمان به خدا و کفربه طاغوت را واجب گردانیده است.

ابن قیم رحمه الله می‌فرماید: (معنی الطاغوت ماتجاوز به العبد حدّه من معبود او متبوع او مطاع)

«معنای طاغوت این است که بنده در پرستش معبود یا اتباع متبوع یا اطاعت مطاعی از حد مجاز بگذرد».

طاغوتها زیادند که در رأس همه پنج تا قرار دارد:

۱- ابلیس ملعون ۲- کسی که پرستیده شود و او از این عمل راضی باشد ۳- کسی که مردم را به پرستش خودش ترغیب کند ۴- کسی که دانستن جزئی از علم غیب را مدعی باشد. ۵- و کسی که خلاف حکم خداوند حکم کند (حکم به غیرما انزل الله).

لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٥٦﴾ [البقرة: ۲۵۶].

«درکار دین اکراه روا نیست چرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است پس هرکس که به طاغوت کفر ورزد و به خداوند ایمان آورد به راستی که به دستاویز استواری دست زده است که گسستی ندارد و خداوند شنوای داناست».

و معنای **لاإله إلا الله** همین است، در حدیث است که: «**رَأْسُ الأَمْرِ: الإِسْلامُ، وَعَمُودُهُ الصَّلاةُ، وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ الله**».

«در رأس همه امور اسلام قرار دارد، ستون آن نماز و قله افتخارات آن جهاد فی سبیل‌الله است».

والله أعلم.